

کاترین پاندر

وجیهه آیت اللہی

قدرت شفا بخش
عشق



فهرست

- مقدمه: نیروهای پویای ذهن ۱۱
- فصل اول: اسرار شفابخش روزگار آشکار می شود ۱۷
- فصل دوم: نیروی شفابخش ایمان ۴۱
- فصل سوم: نیروی شفای قدرت ۶۱
- فصل چهارم: نیروی شفابخش قضاوت ۷۹
- فصل پنجم: نیروی شفابخش عشق ۹۹
- فصل ششم: قوه شفابخش نیرو ۱۱۷
- فصل هفتم: نیروی شفابخش قوه تخیل ۱۳۷
- فصل هشتم: نیروی شفابخش ادراک ۱۵۹
- فصل نهم: نیروی شفابخش اراده ۱۷۹
- فصل دهم: نیروی شفابخش نظم ۱۹۷
- فصل یازدهم: نیروی شفابخش اشتیاق ۲۱۵
- فصل دوازدهم: نیروی شفابخش دفع ۲۳۳
- فصل سیزدهم: نیروی شفابخش زندگی جاودان ۲۵۱

مقدمه

نیروهای پویای ذهن

روزی یکی از خوانندگان کتاب‌هایم بعد از گوش دادن به سخنرانی من در تالار اجتماعات شهر پاسادانا، کالیفرنیا، در صفی طولانی منتظر ایستاده بود تا ماجرای شگفت‌انگیز شفای من را برایم تعریف کند.

ظاهراً چند ماه قبل به علت ابتلا به بیماری لاعلاج ریه در بستر افتاده بود. آن طوری که من متوجه شدم، ریه‌هایش بزرگ و اسفنجی شده و دیگر امید چندانی به بهبودش نبوده است.

تا این که یکی از همسایه‌ها نسخه‌ای از کتابم را با عنوان «اسرار توانگری»، در اختیار این مرد بیمار قرار داده است. در این کتاب ماجراهایی مرتبط با نیروی شگفت‌انگیز شفای انسان آورده شده است. او علی‌رغم ابتلا به بیماری بسیار سخت توانسته بود با خواندن این کتاب و اجرای دستورات شفابخش بهبود یابد! چند ماه بعد هم در آن صف طولانی ایستاده بود و در مورد جریان زندگی‌اش چنین می‌گفت: «من باید مرده باشم، اما توانستم با تغییر در نگرش‌م بهبود یابم.»

چندی بعد زمانی که در مورد این نوع بیماری با پزشکی صحبت کردم، لوقطه سری تکان داد و سبب گفت: «اگر بیماری با چنین شرایطی نزد من می آمد سعی می کرده تا حد ممکن به ونسی بیخشم و به افرادی هم که از او مرقت می کردند، توصیه می کرده همین کار را انجام دهند. این تنها کاری بود که می توانستم برایش انجام دهم. چون تاکنون درمان دیگری برای این نوع بیماری کشف نشده است.» وقتی جریان بهبود این مرد را عنوان کردم، پزشک در پاسخ گفت: «باید شفا یافته باشد. هیچ توجیه دیگری ندارد.»

این نمونه‌ای از جریان نیروی شگفت‌انگیز شفای بشر است. چندین دهه پیش، زمانی که این کتاب را نوشتم، هزینه ساخت دانشکده پزشکی پنجاه میلیون دلار و هزینه اداره آنجا سالی پنج میلیون دلار بود. با این هزینه‌های سرسام‌آور نمی‌توان دقیقاً تخمین زد قیمت امروز آن چقدر است.

اگر مردم از نیروی شگفت‌انگیز شفای درون خود اطلاع داشتند، یعنی همان نیرویی که می‌توانند آگاهانه آن را فعال سازند و از آن بهره‌مند شوند، می‌توانستند پول بیش‌تری پس‌انداز کنند و فشار روحی و درد جسمانی کم‌تری داشته باشند. نیرویی که برای پزشک خانواده در حین درمان افراد کمک بسیار بزرگی است.

متأسفانه اکثر افراد نسبت به ماشین‌شان اهمیت بیش‌تری نشان می‌دهند تا به وضعیت جسمانی و روحی خود، که شدیداً سلامتی‌شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. همین موضوع باعث می‌شود پزشک خانواده هنگام درمان افراد فشار زیادی را متحمل شود.

دوازده نیروی شفابخش

در یکی دیگر از کتاب‌هایم، با عنوان «قوانین شفا»، ماجرای شفای افراد زیادی از همه اقشار جامعه که از تأثیر نیروی اندیشه و احساسات خود بر روی سلامتی آگاهی یافته بودند، آورده شده است. آن کتاب شامل نکات بسیار مهمی در زمینه

شفا است که اینجا مجالی برای تکرار آن نمی‌یابم. در کتاب حاضر، تصور من بر این است که شما از مطالبی که قبلاً مورد بحث قرار گرفته آگاهی کامل دارید و اکنون حاضرید تا به مراحل دیگر شفای معنوی و ذهنی بپردازیم.

در این صفحات می‌خواهم اسرار شگفت‌انگیز شفا را که افراد برجسته طی سال‌ها از آن آگاهی یافته و به آن متوسل شده‌اند، برای شما مطرح کنم. این‌ها تعالیمی است که بدون هیچ تغییری از نسلی به نسل دیگر منتقل شده تا برخی از آنها را به کار گیرید. این تعالیم حتی تا امروز به عنوان یک راز باقی مانده‌اند. این تعالیم سرّی به دوازده نیروی ذهنی که درون مراکز عصبی بسیار مهم بدن قرار گرفته‌اند، مربوط می‌شود. این مراکز به نحوی موثر یا غیر موثر، بسته به این‌که چگونه این نیروهای ذهنی را به کار می‌گیرید، سلامتی شما را شدیداً تحت تأثیر قرار می‌دهند.

امروزه در مورد نیروی غده‌های بدن انسان و وابستگی سلامت انسان به وضعیت غده‌ها مطالب زیادی می‌شنویم. کاملاً درست است؛ سلامتی انسان تحت تأثیر وضعیت غده‌های بدن می‌باشد، چون غده‌های عصبی بدن نیز مراکز بسیار مهم نیروهای ذهنی هستند. این نیروهای ذهنی بسیار مهم، دقیقاً درون غده‌هایی قرار گرفته‌اند که اغلب به علت بی‌اطلاعی انسان از وجود آن‌ها در درون خود، به‌طور ناخودآگاه تمام وقت برای حفظ سلامتی او به وظیفه خود عمل می‌کنند. چگونگی به‌کارگیری این نیروهای ذهنی واقع در غده‌های عصبی به نحوی موثر یا غیر موثر سلامت انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این‌ها اسرار شفابخشی است که طی سال‌ها به خوبی حفظ شده است!

اولین بار زمانی که مطالعه آیین مسیحیت را به‌طور واقعی شروع کردم، از این تعالیم سرّی مطلع شدم و فهمیدم که این نیروهای ذهنی به عنوان «نیروهای دوازده‌گانه انسان» شناخته می‌شوند. اهمیت عرفانی آن‌ها به حضرت مسیح و دوازده حواریون او در انجیل و دوازده قبیله اسرائیلی در تورات نسبت داده شده است. مدت‌ها است که در علوم خفیه تایید شده که هفت نیروی ذهنی در هفت

فصل اول

اسرار شفابخش روزگار آشکار می‌شود

در کارتونی، تصویر مرد تاجر ناامیدی را نشان می‌دادند که کیسه‌هایش را زیر بغل گرفته بود و همان‌طور که اتاق بیمارستان را ترک می‌کرد، پرستار و همسرش را هم به دنبال خود می‌کشاند. مرد تاجر هنگام بیرون رفتن غرغرکنان می‌گفت: «از دست این داروهای معجزه‌آسای لعنتی. هیچ فایده‌ای ندارد، فقط توی رختخواب افتاده‌ام. حالا خودم را از این جا راحت می‌کنم.»

در واقع آن مرد به این حقیقت پی نبرده است که تا نفهمد علت ذهنی ناخوشی و بیماری‌اش از احساساتش نشأت می‌گیرد، احتمالاً مجبور است به خاطر همان «داروهای معجزه‌آسای لعنتی» دوباره به بیمارستان باز گردد. در صورتی که اگر از نیروهای ذهنی شفابخش درون خود و چگونگی فعال‌سازی آنها مطلع بود، دیگر مجبور نبود با بیماری سروکار داشته باشد.

اسرار شفابخش روزگار، نشانگر این است که شما دارای دوازده نیروی پویای ذهنی هستید که در دوازده مرکز عصبی اصلی بدن قرار گرفته است. اکثر افراد از شنیدن این که دوازده نیروی ذهنی ما همه در بخشی از سر، یعنی مغز، واقع نشده‌اند تعجب می‌کنند. شاید ما هم این‌طور تصور کنیم، اما این نیروها

در سرتاسر بدن قرار گرفته‌اند. سلول‌های فکری مغز در کل بدن وجود دارند. این هوشمندی منتظر است تا شناخته شود و برای انجام ماموریت شفابخش‌اش رها گردد. بنابراین، کل بدن شما کاملاً ذهنی است و می‌اندیشد.

انسان‌های گذشته این نیروها را به کار می‌گرفتند

کشف جدیدی نیست. در قدیمی‌ترین اسناد و مدارک مرتبط با عقاید و اعمال بشری نیز به دوازده نیروی ذهنی اشاره شده است. یونانی‌ها، پارسی‌ها، مصری‌ها و هندوهای قدیم همه احساس می‌کردند هر بخشی از بدن انسان دارای مفهوم و پیام نهفته‌ای است. به طوری که کشیشان آناتومی بدن انسان را در معبد‌های شان گذاشتند تا به مطالعه و بررسی این مفهوم نهفته بپردازند.

پیشگویان قدیمی چند دوره قبل از زمان مسیح معتقد بودند دوازده مرکز عظیم در بدن انسان وجود دارد که اگر شناخته شود و تحت کنترل درآید، می‌تواند نیروی بسیار زیادی در ذهن، بدن و امور زندگی انسان جاری سازد. عارفان خاور دور، هم به شکل نماد و هم فرمول سرّی، بخشی از این آموزه‌ها را برای شاگردان خود آشکار ساختند. فیلو، فیلسوف یهودی و ارسطو، فیلسوف یونانی نیز همچون پاراسلسوس، طبیب آلمانی هنگام صحبت از هسته‌های انرژی، به این نیروها در انسان اشاره کرده‌اند. ادوین جان‌دینگل، بنیان‌گذار علم مابعدالطبیعه در کتابش با عنوان «زندگی من در تبت» بیان می‌کند که چگونه استاد تبتی‌اش سال‌ها به او آموخته تا انرژی بسیار شدید واقع در بخش‌های مختلف بدنش را رها سازد. ادگار کایس، در متون معروفش در زمینه بحر تفکر، از نیروهای ذهنی واقع در غده‌ها به عنوان یک آموزه قدیمی یاد کرده است. همچنین، در علم کهن اختربینی نشان داده شده است که فکر متعادل همیشه فعالیت غده‌ای را متعادل می‌سازد و همین‌طور عکس آن.

می‌رولاندر، مدیر سابق سایلنت یونیتی، با تمرین معروف خود با عنوان «تمرین در سکوت» به هزاران نفر نشان داده که برای افزایش سلامتی و آرامش

روح و روان چگونه این نیروها را درون خود بیدار کنند. شور و نشاط جوانی او در بحبوحه یک زندگی پرزحمت و دشوار، دلیل محکمی برای وجود نیرویی است که انسان می‌تواند برای به‌کارگیری و گسترش آگاهانه این دوازده نیروی ذهنی رها سازد. آلکس کارل، دانشمند و پزشک معروف در مورد چگونگی احاطه شدن بدن با نیروی ذهنی و کنترل و هدایت آن چنین توضیح می‌دهد: «ذهن درون جسم پنهان شده است. به طوری که متخصصان فیزیولوژی و اقتصاددانان کاملاً آن را نادیده گرفته‌اند و پزشکان چندان به آن توجهی نشان نداده‌اند، اما با این وجود هنوز عظیم‌ترین نیروی این جهان است.»

دکتر کارل در خصوص این‌که نیروی ذهنی چگونه بدن را تحت تاثیر قرار می‌دهد، چنین نوشته است:

«زمانی که فعالیت‌های ما به سمت پایان مشخصی سوق می‌یابد، عملکرد ذهنی و جسمی ما کاملاً با هم هماهنگ می‌شود... در واقع انسان برای حفظ توازن عملکرد ذهن و جسم خود باید یک قانون درونی را به خود تحمیل کند.»

علم تاثیر ذهن بر جسم را ثابت می‌کند

تاثیر شگفت‌انگیز ذهن بشر بر جسم برای نیاکان ما مهم‌تر از درد و رنج جسمانی بوده است. در واقع طی سالیان سال بررسی صورت گرفته از نظر علم مابعدالطبیعه نسبت به مطالعات پزشکی افراد بیش‌تری را به خود جذب کرده است. پزشکان قدیمی، این اهمیت زیاد را به خلق و خو و خصوصیات فردی انسان در ارتباط با سلامتی نسبت می‌دهند. تنها از زمان رنسانس در قرن شانزدهم بود که به جای پرداختن به دلایل ذهنی و احساسی بیماری، اثرات بیماری شدیداً مورد تاکید قرار گرفت. خوشبختانه طی سال‌های اخیر، حرکت پاندولی عقاید دوباره تغییر جهت داده است.

امروزه دانشمندان و پزشکان متوجه شده‌اند که بشر در درون خود از نیروهای عظیمی برخوردار است که چندان از آن استفاده‌ای نمی‌کند. برخی